

اشتراط حیات زن شیرده در نشر حرمت با شیردهی

بحث در شرایط معتبر در نشر حرمت با رضاع است. یکی از شروط نشر حرمت با شیردهی، زنده بودن زن شیرده است. این مساله در کلمات فریقین از قدیم مطرح بوده است. ممکن است تصور شود وقوع چنین فرضی بسیار مستبعد است چون در نشر حرمت شرایط متعددی مثل پانزده مرتبه شیر خوردن شرط است و خیلی بعید است در پستان زن مرده بیشتر از یک وعده شیر وجود داشته باشد. نسبت به عصر ما با توجه به مرگ مغزی این مساله می‌تواند در خارج عینیت پیدا کند (در پزشکی ظاهراً اگر غده هیپوفیز دچار مشکل شده باشد که در اکثر آسیب‌های مغزی این اتفاق می‌افتد هرمون‌های تولید و خروج شیر ترشح نمی‌شوند ولی اگر غده هیپوفیز دچار مشکل نشده باشد هرمون‌ها تولید می‌شوند و امکان استمرار تولید و خروج شیردهی هست). اما اساس طرح این مساله در کلمات قدماء یکی از این دو امر است: یکی اینکه از نظر برخی اهل سنت و شاید شاذ از شیعه، یک وعده شیردهی و حتی یک مکیدن شیر برای نشر حرمت کافی است و این کاملاً قابل تصور است که یک وعده شیردهی یا یک بار مکیدن در زمان مرگ زن شیرده اتفاق افتاده باشد.

دیگری اینکه حتی بنابر نظر مشهور شیعه که تعداد مشخصی وعده شیر در نشر حرمت شرط است (مثلاً پانزده مرتبه) اما کاملاً امکان دارد که مرتبه آخر یا بخشی از مرتبه آخر در زمان مرگ اتفاق افتاده باشد.

مشهور بین فقهاء اعتبار حیات زن شیرده است و به شافعی از اهل سنت منسوب است اما معروف بین آنها انکار این شرط است. دلیل این شرط چیست؟ اولین دلیلی که به آن تمسک شده است اجماع است اما به آن اشکال شده است که اولاً اتفاق محقق نیست علاوه که احتمال مدرکی بودن آن وجود دارد. اما اگر معروف بین اهل سنت عدم اشتراط حیات زن شیرده باشد اثبات این شرط به راحتی قابل اثبات نیست.

دومین دلیل برای اشتراط حیات مرضعه، اصل است. مقتضای اصل عدم نشر حرمت است و قدر متیقن از خروج از آن اصل شیردهی در حال زنده بودن است. این اصل می‌تواند دلیل اجتهادی (عمومات حلّیت ازدواج با هر زنی) باشد و ممکن است استصحاب باشد.

بیان تمسک به عمومات ادله حلّیت ازدواج با هر زنی مثل «وَأَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» (النساء ۲۴) این است که طبق ادله ازدواج با هر زنی مباح است مگر مواردی که تخصیص خورده است و درست است که موارد شیردهی نیز جزو مخصصات است اما آن مقدار که از آن عموم خارج شده است قدرمتیقن از شیردهی است که شامل همه شرایط باشد و بیشتر از آن تحت عام باقی است.

بیان تمسک به استصحاب این است که قبلاً بین این افراد حرمتی وجود نداشت و شیردهی قرار است موجب نشر حرمت بشود، پس حالت سابقه عدم محرمیت و عدم حرمت ازدواج است و در صورت شک همان استصحاب می‌شود. البته این استصحاب در شبهه حکمیه است که محل اختلاف بین علماء است.

مرحوم آقای خویی فرموده‌اند اگر آیه «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ» (النساء ۲۳) و روایات «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» اطلاق داشته باشند که با آن اطلاق اثبات شود شیردهی مشروط به حیات زن شیرده نیست نوبت به عمومات حل ازدواج یا استصحاب نمی‌رسد.

به نظر ما این کلام ایشان مورد خدشه است. آیه شریفه نسبت به شیردهی در حال مرگ اطلاق ندارد چون آنچه مورد آیه است این است که ازدواج با زانی که به شما شیر داده‌اند جایز نیست. آنچه در آیه موضوع قرار گرفته است «أَرْضَعْنَكُمْ» است یعنی زنی که شیر داده است و زنی که مرده است شیر نداده است بلکه شیر از او خورده شده است. درست است که ازدواج با زنی که مرده است معنا ندارد اما هدف مستدل این است که اگر بین فرزند و آن زن محرمیت ایجاد شده باشد پس احکام رضاع ثابت است هر چند ازدواج با خود آن زن به خاطر مرگ او مصداق پیدا نکند.

و شاید کسی بگوید بر کسی که در زمان مرگ شیر داده است «أُمَّهَاتُكُم» صدق نمی‌کند چون شرط صدق آن حیات است و بلکه خود آقای خویی به لزوم اشتراط حیات برای صدق «أُمَّهَاتُكُم» استدلال می‌کنند و اینکه بر مرده این کلمه صدق نمی‌کند.

اما در هر حال «ارضاع» در موارد مرگ صدق نمی‌کند و اخوت مذکور در «وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ» هم فرع صدق مادری است و معنا ندارد زن مادر رضاعی نباشد اما دختران او، خواهر رضاعی باشند!

اما روایات «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» را قبلاً گفتیم در این مقام نیست که هر رضاعی موجب نشر حرمت است بلکه در مقام بیان این است که هر چه در مورد نسب حرام است در مورد رضاع هم حرام است نه اینکه رضاع با چه شرایطی موجب نشر حرمت می‌شود و البته خود آقای خویی هم ادعا نکرده‌اند که اینجا این روایت اطلاق هست بلکه گفته‌اند تمسک به عمومات حل ازدواج و استصحاب متوقف بر این است که این آیه و حدیث «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» اطلاق نداشته باشند.

نتیجه اینکه اگر چنین اصلی تمام باشد این آیه و روایت مانع از تمسک به آن نیست اما تمام بودن این اصل متوقف بر این است که آیه شریفه «وَأَجَلٌ لَّكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» عموم داشته باشد اما با توجه به اتصال مخصوص «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ» به آن، اجمال مخصوص به عام هم سرایت می‌کند و تمسک به عام صحیح نیست. توضیح بیشتر مطلب خواهد آمد.